



نگاهی به سربال بر طرفدار نمایش خانگی در واپسین روزهای انتشار

شرایط را ما می‌سازیم

صفحه ۸

شنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۱ | ۱۳ صفر ۱۴۴۴ | ۱ سپتامبر ۲۰۲۲ | سال چهاردهم | شماره ۲۵۷۶ | صفحه ۸ | ۲۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۸۳ سال و ۳۳۹ روز گذشت



فرصت طلایی برای شاگردان محمد بنا در مسابقات جهانی کشتی فرنگی

به وقت صید طلا

صفحه ۶

VATAN-E-EMROOZ | VOL.14 | NO.3576 | SAT.SEP.10, 2022 | ISSN:2008-2886

مرگ ملکه مکاران

مرگ آخرین نماد استعمار پیر

الیزابت دوم پس از ۷۰ سال سلطنت بر انگلستان سرانجام در ۹۶ سالگی اسیر مرگ شد



جنایت سلطنت

انگلیس در طول ۷۰ سال سلطنت الیزابت دوم اقدامات جنایتکارانه متعددی، از رقم زدن کودتای ۲۸ مرداد تا حمایت از صدام را علیه مردم ایران مرتکب شد

صفحات ۲ و ۷

تیتراهای امروز

قیمت خرید تضمینی گندم برای سال زراعی جدید ۱۲ هزار تومان تعیین شد

بهار گندمکاران

وزیر جهاد کشاورزی: ۸۲ هزار میلیارد تومان از مطالبات گندمکاران پرداخت شد که در ۵ سال گذشته بی‌سابقه است



صفحه ۳

وزارت خزانه‌داری آمریکا وزارت اطلاعات و وزیر اطلاعات ایران را تحریم کرد

شلیک

به قلب توافقی

صفحه ۲

تمام مرزها به سمت عراق در پی تراکم جمعیت زائران، دمای بالای هوا، مشکل نقل و انتقال و کمبود آب و امکانات فعلا بسته است

شرایط نامساعد در مرزهای عراق

صفحه ۴

رزمایش اقتدار ۱۴۰۱ نیروی زمینی ارتش با حضور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح برگزار شد

رونمایی از

موشک فتح ۳۶۰

صفحه ۲

نگاه

ابوذر انقلاب

و میراث گرانددرش

محمدامین علیدوست: امروز چهل و سومین سالروز سالگرد وفات یکی از استوانه‌های انقلاب اسلامی ایران و یکی از متفکران و مصلحان برجسته قرن اخیر این آب و خاک است. آیت‌الله سیدمحمد طالقانی اگرچه در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ید طولایی داشت اما مشغله‌های مبارزاتی او هیچ‌گاه از جایگاه علمی و معرفتی او نکاست.

آیت‌الله طالقانی حتی سال‌هایی که در زندان رژیم ستمشاهی به سر می‌برد، از فعالیت علمی و انس با قرآن مجید و تدبیر در کلام وحی غافل نبود و سال‌های متمادی به نوشتن تفسیری بر قرآن مجید همت گماشت که میراثی گراندتر از حیات علمی این عالم فرزانه است؛ تفسیری که امامین و متفکران انقلاب اسلامی پیوسته به مطالعه این اثر ارزشمند توصیه و تاکید می‌کردند. حضرت

امام خمینی به فرزندان‌شان توصیه می‌کردند پای درس تفسیر آیت‌الله طالقانی بنشینند و استفاده کنند. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در کتاب مهم «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» که مجموعه سخنرانی‌های ایشان در یک ماه رمضان جهت معرفی کلی مکتب اسلام است، تنها تفسیری که مخاطبان و مردم را به آن رجاع می‌دهند، کتاب «پرتوی از قرآن» مرحوم طالقانی است. شهید مطولم آیت‌الله دکتر بهشتی نیز درباره

اهمیت این تفسیر می‌گوید: «تفسیر پرتوی از قرآن سرشار از سرخط‌های مهم و درک زنده آیات، از ویژگی‌های آیت‌الله طالقانی است... جا دارد این تفسیر به عربی برگردانده و به فرهیختگان جهان عرب عرضه شود». اما پرتوی از قرآن، تفسیری ناتمام است که ۶ جلد آن منتشر شده است که شامل تفسیر سوره‌های حمد، بقره، آل عمران و جزء ۳۰ است. گفته شده این تفسیر در طول نزدیک به ۴۰ سال نگارش شده که بخشی از آن

را آیت‌الله طالقانی در زندان نوشته و مخفیانه به بیرون از زندان ارسال کرده است. جلد اول این تفسیر سال ۱۳۴۲ خورشیدی منتشر شد. آیت‌الله طالقانی در مقدمه کتاب نوشته است: «من خود را مفسر نمی‌دانم و پرتوی از قرآن که به ذهن من تابیده است را به کاغذ منتقل می‌کنم».

آیت‌الله طالقانی از شخصیت‌ها و عناصری است که نوشتن از فضاویل او در یادداشتی کوتاه ممکن نیست به همین جهت به پیام مهم حضرت امام خمینی (ره) در پی ارتحال ایشان، اکتفا می‌کنم:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم
إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ
عَمْرٍ طَوْلَانِي إِيْن عَيْبٍ رَادِر كَه [أَنْسَان] هر روز عزیزی را از دستت می‌دهد و به سوگ شخصیتی می‌نشیند و در غم برادری فرومی‌رود. ادامه در صفحه ۶

یادداشت شروین طاهری: در دنیایی که

صدها میلیون نفر در گوشه

و کنسار کره زمین بهای سلسله جنگ‌های بی‌پایانی را می‌دهند که انگلوساکسون‌ها به پنهان حمایت از دموکراسی راه انداخته‌اند، سوگوری برای یک پیرزن ۹۶ ساله انگلیسی که ۷۰ سال به شکل موروثی، حتی بدون تظاهر به رعایت سلسله‌مراتب دموکراتیک و بدون اخذ حتی یک رای از مردمی که بر آنها سلطنت می‌کرد، حکم می‌راند، چیزی فراتر از یک «طنز تلخ» است. بشر مدرن به جای آنکه مرگ ملکه الیزابت دوم را تسلیت بگوید باید برای ادراک و منطق خود فاتحه بخواند. حتی این توجیه بی‌شرامه شبکه‌های تحت قیمومت خاندان سلطنتی و دستگاه اطلاعاتی‌اش مثل بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال یا ایندپندنت در ۲-۳ روز پس از مردن این عجزه که با آن لحن سوگوارانه فرامی‌می‌گویند ۸۱ درصد مردم کره خاکی از وقتی چشم باز کرده‌اند، ملکه الیزابت دوم آنجاری تخت تمام طلا تکیه زده بوده نیز در حقیقت چیزی جز تحقیر همان دموکراسی نیست.

الیزابت ویندزور از خاندان اصالتا آلمانی «ساکس-کوپرگ و گوتا» از ۱۰ سالگی وارث سلطنت خاندان ویندزور بریتانیا شده بود. سپس در ۲۶ سالگی با عنوان رسمی طول و دراز «الیزابت دوم، به مرحمت خداوند، ملکه بریتانیا و ایرلند شمالی و دیگر سرزمین‌های خود و رهبر کشورهای مشترک‌المنافع، مدافع دین و حافظ مردم» - که باید حین حضور او در هر مکانی تمام و کمال خوانده می‌شد- به سلطنت رسید؛ بدون نیاز به هر گونه انتخابات ریاستی، پارلمانی، غیرمستقیم، رای یک مجمع منتخب دموکراتیک یا هر نوع گزینش دیگری که ردیای شهروندان عادی تحت حکومتش در آن باشد و فقط به حکم شورایی تحت عنوان سلطنتی متشکل از پیرمردها و پیرزن‌هایی که اشراف‌زادگان در قملش بستگان یا گماشتگان خاندان سلطنتی هستند. نه فقط مردم انگلیس، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی و چندین سرزمین به‌اصطلاح فدرالیی شامل جزایر برمودا، جزایر اشغالی فالکلند و جبل الطارق که روی

سلطنت بر دموکراسی

را از گرده خویش برداشتند این کار را با قیام و انقلاب خونین برای استقلال کردند. عراق، آفریقای جنوبی، هندوستان، پاکستان و بنگلادش، برمه (میانمار)، جامائیکا، باربادوس، باهاما، گرنادا، پاپوآ گینه نو، جزایر سلیمان و تووالو در اقیانوسیه و دیگر جزایر کارائیبی مثل سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادینس، بلیز، آنتیگوا و باربودا و سنت کیتس و نویس نیز کوچک‌ترین دخالتی در به قدرت رسیدن ملکه الیزابت دوم، پیش از او پدرش شاه جورج ششم و حالا پسرش چارلز سوم که به جای او به حکومت رسیده، نداشتند. همچنین این مردم که جمعیتی بالغ بر ۱۵۰ میلیون نفر را عمدتاً در کشورهای مدعی دموکراسی تشکیل می‌دهند، به جز ۲ مورد معاصر، هیچ‌گاه هیچ حقی برای تعیین سرنواخت خود نداشته و محکوم به این بوده‌اند که تحت حاکمیت خاندان سلطنتی انگلیس باشند. جدیدترین مورد استئنا جزیره کوچک باربادوس در شرق دریای کارائیب بود که ۲ سال پیش با اعمال نفوذ ایالات متحده بر دولت محلی آن، قیمومت سلطنت بریتانیا را پایان داد. ۶ سال پیش از آن نیز همه‌پرسی استقلال اسکاتلند در سال ۲۰۱۴ به شکست انجامید که گفته می‌شود یکی از عوامل اصلی شکست آن هشدار بانک آو انگلند (بانک مرکزی انگلستان)، به رای‌دهندگان اسکاتلندی مبنی بر پرهیز از دادن رای مثبت به آن همه‌پرسی برای در امان ماندن از ورشکستگی ملی بوده است. در حالی که اسکات‌ها برای یک همه‌پرسی دیگر به منظور رهایی از یوغ اسارت خاندان ویندزور تلافی می‌کنند و به نظر می‌رسد مردم ایرلند شمالی نیز در همین مسیر قرار دارند، لازم به یادآوری است که پسرعموهای آنها در جمهوری ایرلند، حدود یک قرن پیش با خون و اسلحه و انقلاب و جنگ، از زیر یوغ سلطنت پدران این ملکه مرده درآوردند نه با یک روند جدایی دموکراتیک، ظالمان کاخ باکینگهام تا وقتی زورشان رسیده، هیچ‌گاه چراغ سبزی به ملتی برای تعیین سرنواخت خود نداده‌اند. این فقط شامل ایرلندی‌ها نمی‌شود بلکه تقریباً تمام ملت‌هایی که در قرن بیستم میلادی، استعمار انگلیس

را از گرده خویش برداشتند این کار را با قیام و انقلاب خونین برای استقلال کردند. عراق، آفریقای جنوبی، هندوستان، پاکستان و بنگلادش، برمه (میانمار)، جامائیکا، باربادوس، باهاما، گرنادا، پاپوآ گینه نو، جزایر سلیمان و تووالو در اقیانوسیه و دیگر جزایر کارائیبی مثل سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادینس، بلیز، آنتیگوا و باربودا و سنت کیتس و نویس نیز کوچک‌ترین دخالتی در به قدرت رسیدن ملکه الیزابت دوم، پیش از او پدرش شاه جورج ششم و حالا پسرش چارلز سوم که به جای او به حکومت رسیده، نداشتند. همچنین این مردم که جمعیتی بالغ بر ۱۵۰ میلیون نفر را عمدتاً در کشورهای مدعی دموکراسی تشکیل می‌دهند، به جز ۲ مورد معاصر، هیچ‌گاه هیچ حقی برای تعیین سرنواخت خود نداشته و محکوم به این بوده‌اند که تحت حاکمیت خاندان سلطنتی انگلیس باشند. جدیدترین مورد استئنا جزیره کوچک باربادوس در شرق دریای کارائیب بود که ۲ سال پیش با اعمال نفوذ ایالات متحده بر دولت محلی آن، قیمومت سلطنت بریتانیا را پایان داد. ۶ سال پیش از آن نیز همه‌پرسی استقلال اسکاتلند در سال ۲۰۱۴ به شکست انجامید که گفته می‌شود یکی از عوامل اصلی شکست آن هشدار بانک آو انگلند (بانک مرکزی انگلستان)، به رای‌دهندگان اسکاتلندی مبنی بر پرهیز از دادن رای مثبت به آن همه‌پرسی برای در امان ماندن از ورشکستگی ملی بوده است. در حالی که اسکات‌ها برای یک همه‌پرسی دیگر به منظور رهایی از یوغ اسارت خاندان ویندزور تلافی می‌کنند و به نظر می‌رسد مردم ایرلند شمالی نیز در همین مسیر قرار دارند، لازم به یادآوری است که پسرعموهای آنها در جمهوری ایرلند، حدود یک قرن پیش با خون و اسلحه و انقلاب و جنگ، از زیر یوغ سلطنت پدران این ملکه مرده درآوردند نه با یک روند جدایی دموکراتیک، ظالمان کاخ باکینگهام تا وقتی زورشان رسیده، هیچ‌گاه چراغ سبزی به ملتی برای تعیین سرنواخت خود نداده‌اند. این فقط شامل ایرلندی‌ها نمی‌شود بلکه تقریباً تمام ملت‌هایی که در قرن بیستم میلادی، استعمار انگلیس

را از گرده خویش برداشتند این کار را با قیام و انقلاب خونین برای استقلال کردند. عراق، آفریقای جنوبی، هندوستان، پاکستان و بنگلادش، برمه (میانمار)، جامائیکا، باربادوس، باهاما، گرنادا، پاپوآ گینه نو، جزایر سلیمان و تووالو در اقیانوسیه و دیگر جزایر کارائیبی مثل سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادینس، بلیز، آنتیگوا و باربودا و سنت کیتس و نویس نیز کوچک‌ترین دخالتی در به قدرت رسیدن ملکه الیزابت دوم، پیش از او پدرش شاه جورج ششم و حالا پسرش چارلز سوم که به جای او به حکومت رسیده، نداشتند. همچنین این مردم که جمعیتی بالغ بر ۱۵۰ میلیون نفر را عمدتاً در کشورهای مدعی دموکراسی تشکیل می‌دهند، به جز ۲ مورد معاصر، هیچ‌گاه هیچ حقی برای تعیین سرنواخت خود نداشته و محکوم به این بوده‌اند که تحت حاکمیت خاندان سلطنتی انگلیس باشند. جدیدترین مورد استئنا جزیره کوچک باربادوس در شرق دریای کارائیب بود که ۲ سال پیش با اعمال نفوذ ایالات متحده بر دولت محلی آن، قیمومت سلطنت بریتانیا را پایان داد. ۶ سال پیش از آن نیز همه‌پرسی استقلال اسکاتلند در سال ۲۰۱۴ به شکست انجامید که گفته می‌شود یکی از عوامل اصلی شکست آن هشدار بانک آو انگلند (بانک مرکزی انگلستان)، به رای‌دهندگان اسکاتلندی مبنی بر پرهیز از دادن رای مثبت به آن همه‌پرسی برای در امان ماندن از ورشکستگی ملی بوده است. در حالی که اسکات‌ها برای یک همه‌پرسی دیگر به منظور رهایی از یوغ اسارت خاندان ویندزور تلافی می‌کنند و به نظر می‌رسد مردم ایرلند شمالی نیز در همین مسیر قرار دارند، لازم به یادآوری است که پسرعموهای آنها در جمهوری ایرلند، حدود یک قرن پیش با خون و اسلحه و انقلاب و جنگ، از زیر یوغ سلطنت پدران این ملکه مرده درآوردند نه با یک روند جدایی دموکراتیک، ظالمان کاخ باکینگهام تا وقتی زورشان رسیده، هیچ‌گاه چراغ سبزی به ملتی برای تعیین سرنواخت خود نداده‌اند. این فقط شامل ایرلندی‌ها نمی‌شود بلکه تقریباً تمام ملت‌هایی که در قرن بیستم میلادی، استعمار انگلیس

گزار دریایی و... است». بر همین اساس مطابق قانون اساسی انگلیسی‌ها ماهیگیران و صیادان باید هر هفته در کلیسا برای سلامتی ملکه دعا کنند، چرا که ملکه اجازه شکار و صید موجوداتی را به آنها داده که جزو دارایی‌های شخصی‌اش است!

اگر تصویری کنید وجوه قرون وسطایی قانون اساسی بریتانیا در همین جا خاتمه می‌گیرد، کمی تأمل کنید؛ ملکه‌ای که غربگیران و روشنفکران استعماری، به مدت چندین دهه مفلس‌ساز می‌کردند جایگاهی مشروطه دار - و امروز شبکه‌های لندن نشین سعی دارند از این عجزه تصویری از مادر مهربان دموکراسی (!) بسازند - به مدت ۷۰ سال طبق نص قانون، جایگاهی فراقانونی و ضددموکراتیک داشت: «هیچ مرجعی نمی‌تواند شخص خاندانی در حال فروپاشی که در آن برادر پادشاه «اندرو» مشروعبت‌ش را از پای‌های لیزان کاخ باکینگهام می‌گیرد؛ به عنوان یک مفلس جنسی تحت تعقیب دادگاه‌های آمریکا و پسر کوچک‌تر پادشاه «هری» و همسرش با زدن انواع و اقسام اتهامات، به اشرافیت انگلیسی، از حلقه دودمانی گریخته و به آمریکا پناه برده‌اند. لازم به گفتن نیست که او پسر شاهزاده دایانای معروف است که هنوز هم بسیاری از انگلیسی‌ها فکر می‌کنند ملکه الیزابت قاتل او بوده است. ملکه الیزابت دوم طی ۷۰ سال سلطنت هر جا خطابه می‌کرد همانند پدران و مادران تاجدارش خود، راضی صاحب حکومت بریتانیا و سرزمین‌های فدرالیی معرفی می‌کرد، چون یک قانون اساسی قرون وسطایی و یک نظام سلطه ضددموکراتیک از این ادعا حمایت می‌کرد. او همیشه در ابتدای سخنرانی‌های سالانه‌اش در «وست مینستر» می‌گفت: «حکومت من!» نه این ادعا تشریفاتی بود و نه جایگاه شخصی که آن را مدولما مطرح می‌کند. برخلاف استدلال مدعیانی که می‌گویند جایگاه سلطنت در بریتانیا به صورت مشروطه و ذیل قانون اساسی بریتانیا تعریف شده، این قانون به هیچ عنوان اساس مطلقه بودن قدرت ملکه یا پادشاه را مشروط ساخته است. بیایید بخش‌هایی از قانون اساسی بریتانیا را بازخوانی کنیم: «ملکه یا پادشاه مالک تمام موجودات دریایی در قلمرو پادشاهی بریتانیاست. این موجودات شامل ماهی، دلفین، وال،

پایین حاکمیت انگلیسی را فرا گرفته بود.